سخنرانی در پایان مراسم قرائت قاریان قرآن، در ماه مبارك رمضان - 28 /اسفند/ 1370

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

خدا را بر ادراك یك ماه رمضان دیگر و درك فرصت تلاوت و استماع قرآن سپاسگزاریم. خدا کند که بتوانیم این فرصت الهی را که یك بار دیگر هم به ما داده شد، قدر بدانیم و جواب خدای متعال را از اعطای این فرصت - که آن را در چه راهی صرف کردیم و از آن چه استفاده‌یی کردیم - آماده داشته باشیم. از برادران عزیز قاری هم تشکر می‌کنیم که امسال در این جلسه شرکت کرده‌اند ؛ بخصوص برادرانی که از راههای دور تشریف آورده‌اند. امیدواریم که خداوند به همه‌ی شما توفیق بدهد و کمك کند که باز هم بتوانید در این راه پیش بروید.

آنچه که در مجموع، هم از این جلسه و هم از تلاوتهای دیگری که گاهی از طریق صدا و سیما یا جلسات دیگر به گوش خورده، به دست می‌آید، این امیدواری را به ما می‌دهد که بحمدالله از لحاظ تلاوت و قرائت، پیشرفتمان خوب بوده است. اگر خودمان را با سالهای اول انقلاب مقایسه کنیم، باید بگوییم که هم کیفاً و هم کمّاً پیشرفت کرده‌ایم ؛ یعنی تعداد کسانی که استعداد خودشان را برای تلاوت نشان می‌دهند و صداهای خوش، حنجره‌های قوی و قدرت ابتکار و خلاقیت در خوانندگی دارند، زیادتر شده‌اند ؛ از این جهت ما خوشحالیم. امروز بحمدالله ما بعضی از اصوات گرم را از جوانانی شنیدیم که آن تازگیِ صدای جوانی در تلاوتشان کاملاً محسوس است ؛ اینها باید بدانند که میدان برای پیشرفتشان خیلی باز است و به‌هیچ‌وجه حق ندارند در یك حد متوقف بمانند. توقف، یعنی سرازیر شدن و تنزل.

از جهت حفظ هم همین‌طور بالنسبه پیشرفت داشته‌ایم. اگرچه در این جلسه با حُفاظ محترم مواجه نشدیم، لیکن آن‌طور که مشهود است، جوانان و نوجوانان ما به حفظ اقبال کرده‌اند ؛ منتها کم است. ما که در یك جامعه‌ی بزرگ و در یك کشور پهناور زندگی می‌کنیم، بایستی هزاران نفر حافظ قرآن داشته باشیم. کسانی که در سنین بالا هستند، شانس حفظ کردنشان کمتر است ؛ اگرچه شانسشان منتفی نیست. البته بعضیها وقت نمی‌کنند ؛ اگر وقت می‌کردند، می‌توانستند تجربه و آزمایش کنند. من خودم وقت نمی‌کنم ؛ والا در همین سن هم شروع به حفظ قرآن می‌کردم. جوانان این را بدانند که حتّی در سنین ما اگر وقت و مجال بود، جا داشت و بهتر بود که کسی برای حفظ قرآن صرف وقت می‌کرد ؛ در سنین جوانی این کار لازم است. اصلاً بهتر این است که همه‌ی مردم ما انسشان با قرآن به گونه‌یی باشد که آیات قرآن به گوششان آشنا باشد ؛ وقتی آیه‌یی را می‌خوانند، صدر و ذیل و قبل و بعد آیه برایشان آشنا باشد.

قرّاء محترم هم باید توجه کنند که قاریِ حافظ امتیاز زیادی بر قاریِ غیرحافظ دارد. این جوانان و نوجوانانی که تازه شروع به تلاوت قرآن کرده‌اند - مثل همین نوجوان عزیزمان، (1) یا بعضی دیگر که صداشان خوب است و آینده‌ی خوبی هم خواهند داشت ؛ البته اگر زحمت بکشند - اینها باید از حالا برنامه‌ریزی کنند و حافظ قرآن باشند.

البته در تجوید هم الحمدلله پیشرفت قاریان ما خیلی خوب است ؛ آدم می‌بیند کأنه تجوید دارد جزو طبیعت قرآنیون ما می‌شود ؛ این فایده‌ی محیط قرآنی است. من یادم هست پیش از انقلاب که ما در مشهد جلسات قرآن داشتیم - این برادرانی که در این‌جا تشریف دارند، اکثرشان یا خیلیشان در آن جلسات بودند - گاهی اوقات برای آن‌که این قاری ادای یك حرف یا ادای تجویدی را به شاگرد بیاموزد ؛ مثلاً یك تفخیم و یا یك ترقیق بجا را یاد بدهد، جلساتی وقت صرف می‌شد ؛ اما این طرف هم با آن‌که جوان بود، یاد نمی‌گرفت، یا به زحمت یاد می‌گرفت ؛ مگر کسانی که

استعداد داشتند ؛ چون محیط، محیط تلاوت قرآن نبود و این صوت با گوشها انس نداشت ؛ باید کسی در آن جلسات مدتها می‌ماند، تا یواش یواش به این سبك خواندن مأنوس می‌شد و می‌توانست درست ادا کند. امروز این‌طور نیست ؛ انسان می‌بیند که این نوجوان این‌طور بخوبی تلاوت می‌کند و صدای صاد و ضاد و طاء و ظاء را مثل خود عرب‌زبانها ادا می‌کند ؛ گویا اصلاً او عرب متولد شده است! این قرّاء عربی که به این‌جا می‌آیند، مکرر به من می‌گویند که ما تعجب می‌کنیم که قاریان شما چه‌طور این کلمات و حروف را - که صدایش با زبانشان بیگانه است - ادا می‌کنند! این برای چیست؟ برای آن است که محیط، محیط تلاوت قرآن شده است. ما سالهای متمادی این حرف را تکرار می‌کردیم که اگر جریان به سمتی حرکت کرد، تربیت آسان می‌شود ؛ این از برکات جمهوری اسلامی است. چون جهت حرکت، جهت قرآنی است، خیلی راحت و آسان، فرم و شکل قرآنی در جوانان و حتّی در استعدادهای متوسط به وجود می‌آید. بنابراین، از جهت تجوید و ادای حروف و کلمات هم ما مشکلی نداریم ؛ الحمدلله روزبه‌روز دارد بهتر هم می‌شود ؛ مخصوصاً این جوانانِ با استعداد و خوبی که دارند می‌خوانند ؛ اصلاً هر دفعه که می‌خوانند، می‌بینم ماشاءالله از دفعه‌ی قبل بهتر شده‌اند.

نکته‌یی که بنده می‌خواهم روی آن تأکید بکنم، این است که همه - چه افراد سابقه‌دار، چه افراد متوسط، و چه افراد تازه‌کار و تازه وارد میدان شده - باید احساس کنند این جایی که هستند، بالاترین نیست ؛ جاهای بالاتری هم وجود دارد ؛ باید سعی کنند آن‌جاها را تصرف و قبضه کنند ؛ بنابراین رشد باید متوقف نشود. این جوانانی که با تشویقها مواجه می‌شوند و بجا هم تشویق می‌شوند - مثل همین نوجوان عزیزمان (2) که ماشاءالله خیلی هم خوب خواندند - باید متوجه باشند که این تشویقها نباید آنها را به اشتباه بیندازد ؛ خیال کنند که دیگر حالا یك قاری شده‌اند! نه، هنوز خیلی کار دارد ؛ هنوز این بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم است ؛ و این هنوز ابجد این میدان عظیم است ؛ این شروع کار است ؛ منتها شروع بسیار خوبی است. اگر بخواهیم این شروع را با مثلاً شروع آقای شحات انور مقایسه کنیم، این شروع، بهتر از شروع شحات انور است ؛ به شرط این‌که مرتب زحمت مناسب بکشند. البته منظور این نیست که حنجره را خسته کنند و دایماً این طرف و آن طرف بروند و مرتب از اینها کار نمایشی بکشند ؛ این هم درست نیست ؛ من با این کار موافق نیستم. کار باید واقعاً منظم باشد ؛ البته نمایش هم مقداری در کار منظم جا دارد. اگر ایشان (3) پانزده سال کار منظم و خوب بکنند، از این آقایی که حالا از او تقلید می‌کنند، بهتر خواهند خواند ؛ اما اگر بخواهیم الان را مورد قضاوت قرار دهیم، تفاوت زیادی وجود دارد.

حالا از ایشان عبور می‌کنیم و به سراغ این جوانان خوبی که می‌خوانند، می‌آییم. امروز یك نفر از این جوانان خواندند که صدای خیلی تازه و خوبی داشتند. (4) انسان در آن زنگ صدا، واقعاً آن بکارت صدای جوانی را حس می‌کند و درمی‌یابد که این صداها چه‌قدر قشنگ است. شما جوانان مبادا خیال کنید که وقتی صداتان بلند می‌شود و حضار الله الله و احسنت احسنت می‌گویند، معنایش این است که دیگر قضیه تمام شده است ؛ نه، شما هنوز در اول راه قرار دارید ؛ منتها استعداد و صداتان خیلی خوب است و اگر زحمت بکشید، خیلی خوبتر خواهید شد ؛ معنای این تشویقها این است. من خیلی از شماها را می‌شناسم. برادری هست که هفت سال، هشت سال، ده سال است که دارد مرتب و منظم و جدی می‌خواند ؛ این فرق دارد با برادری که چهار، پنج سال است دارد می‌خواند ؛ لیکن همه‌ی شما برادران باید به این خصوصیت توجه کنید.

ببینید، ما احتیاج داریم که در داخل کشور قرّایی پیدا بشوند که در قرائت صاحب سبك باشند ؛ حالا به همین قرائت مشهوری که ما می‌خوانیم - که قرائت «حفص» باشد - یا در کنارش هم قرائتهای دیگری که مثلاً در شمال آفریقا معمول است. این‌که شما می‌بینید مصریها دایماً قرائت «ورش» و «قالون» را می‌خوانند، به این دلیل است که این دو قرائت در آن‌جاها رایج است. مثلاً در لیبی و الجزایر و تونس، قرائت «ورش» در مکتبخانه‌ها تدریس می‌شود، نه قرائت «حفص». البته در دنیای اسلام قرائت «حفص» - همین قرائتی که حالا معمول ماهاست و آن را می‌خوانیم -

معروفتر است. من موافقم که برادران قرائتهای دیگر - بخصوص قرائات معروف ؛ مثل قرائت «ورش» - را یاد بگیرند و بخوانند. ما باید به آن‌جا برسیم که وقتی قاری ما شروع به خواندن می‌کند، کیفیت ادا و بیان کلمات قرآنی توسط او به‌گونه‌یی باشد که حضار به همان اندازه که با زبان عرب آشنا هستند، تحت تأثیر قرار بگیرند ؛ که هدف اصلی قرائت هم این است. شما که الحمدلله صدا و تجوید و قرائتتان خوب است، باید تلاش کنید به آن‌جا برسید که مثل شیخ مصطفی اسماعیل - که این آقایان قرّایی که به این‌جا می‌آیند، کمتر مثل او می‌خوانند - بتوانید کلام خدا را آن‌چنان ادا کنید که مستمع به همان اندازه‌یی که ظرفیت دارد، تحت تأثیر کلام الهی قرار بگیرد و آن فضا را احساس کند. شما باید در این زمینه صاحب سبك بشوید و دیگر مقلد این و آن هم نباشید ؛ این آن حد اعلایی است که فعلاً مورد نظر ماست ؛ این زحمت و تلاش و نوآوری لازم دارد.

نکته‌ی آخر راجع به این تواشیح است. من خیلی خوشحال شدم از این‌که دیدم برادران مشهدی ما (5) الحمدلله این نوآوری را کردند و آمدند شعر نو و آهنگ نو خواندند. البته چیزهایی از این تواشیح خیلی عربی است و ماها نمی‌فهمیم ؛ عیبی هم ندارد و ما هم نفی نمی‌کنیم ؛ اما آن چیزی که بسیار خوب است، این است که سبك، نوست ؛ شعر، نوست ؛ دیگر تقلید محض از دیگران نیست. من غالباً به این برادرانی هم که در تهران مشغول هستند و همین گروههای تواشیح و همخوانی را دارند - که انصافاً هم بسیار خوبند - گفته‌ام که این قرآن‌خوانی مشترکی که شماها دارید، خیلی عالی است ؛ واقعاً در دنیا کم‌نظیر است که این‌طور هفت، هشت نفر با هم همخوانی دارند ؛ اما در زمینه‌ی این آهنگها و سرودهایی که درباره‌ی توحید و حضرت ختمی مرتبت (علیه‌وعلی‌اله‌السّلام) و یا راجع به موضوعات دیگر است، باید نوآوری کنید. شما این قصیده‌ی «بُرده» (6) و «لامیّة العجم» (7) و قصاید شیخ کاظم ازری (8) و این قصاید معروف عربی را که در هر محفل عربی بخوانید و در آن‌جا چهار نفر آدم عربی‌دان باشند، تا بیت اولش را خواندید، همه می‌فهمند که اصلاً شما چه می‌خواهید بخوانید ؛ قصیده برایشان روشن است ؛ این قصیده خوب است ؛ آن وقت شما این را با آهنگ ابتکاری بخوانید ؛ همین‌طور که الان این برادران با آهنگ جدید خواندند. صداهای شما هم الحمدلله از صداهای آنها کمتر نیست. هیچ لزومی ندارد که چون «طه الفشنی» یا دیگران این قصیده را خوانده‌اند، ما هم همیشه تا آخر همین را بخوانیم. البته اگر در شروع کار از آنها یاد گرفتیم، عیبی ندارد ؛ اما انسان تا آخر که نباید همیشه تقلید بکند ؛ باید نوآوری بکند. در مدح رسول اکرم و در مدح ائمه (علیهم‌السّلام)، در مدح ماه رمضان، در مدح قرآن، درباره‌ی قرآن، و در مناجات باری‌تعالی، شعرهای بسیار خوبِ عربیِ ممتازی وجود دارد ؛ اینها را بخوانید. امیدواریم که ان‌شاءالله روزبه‌روز این کار پیشرفت کند.

بنده اعتقاد قاطعم این است که ما اگر بخواهیم قرآن در ذهنیت و فضای جامعه جا بیفتد، باید تلاوتگر قرآن زیاد داشته باشیم ؛ به این خاطر ما دنبال تلاوت قرآن هستیم. این آهنگهای قرآنی دلها را متوجه قرآن می‌کند ؛ صداهای خوش را باید در این چیزها استخدام کرد. هیچ مضمونی از مضمون کلام خدا شایسته‌تر نیست، برای این‌که در صدای خوشی جا بگیرد و صدای خوش حامل این کلام و بیان بشود ؛ این از هر شعر و سخن ادیبانه‌یی بالاتر است.

مجدداً از برادران عزیزی که زحمت کشیدند و بخصوص از راههای دور تشریف آوردند، تشکر می‌کنیم و توفیقات همه‌ی شما را از خداوند متعال خواستاریم.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

---

1) آقای نظری

2)

3) 1 و 2. آقای فروغی

4) آقای طوسی
5) گروه تواشیح جامعه‌ی قاریان مشهد ؛ آقایان: سادات فاطمی، رضا جاویدی، صادق جاویدی، مهدی صیاف‌زاده.
تنظیم: آقای شهید داوودی
6) الکوکب الدریة فی مدح خیر البریة»
7) شاعر: طغرایی (514 - 455 ق)
8) 1212 - 1143 ق